آداب و اسرار و آموزش و توسعۀ فرهنگ نماز به کارشناسی جناب حجت الاسلام والمسلمین سید جواد بهشتی(جلسه اول)

**بـِسـْمِ اللّهِ الرَّحـْمـنِ الرَّحيمِ**

به حول و قوۀ الهی برنامه هایی را دربارۀ موضوع نماز، تاریخچۀ نماز، فلسفه و اسرار ، آثار نماز و اجزاء نماز می پردازیم .

اولین درس دربارۀ جایگاه عبادت و نماز است. دین مجموعه ای است بهم پیوسته و در هم تنیده که سعادت دنیا و آخرت فرد و جامعه را تضمین می کند. درست است همۀ عناصر دین مقدس هستند اما از نظر اهمیت، متفاوت هستند. در جغرافیای دین بعضی از عناصر قلۀ این سرزمین هستند، بعضی دامنه و بعضی دشت‌های منتهی به این سرزمین. پیامبر عزیز اسلام خیلی از وقت ها دین را به پیکر انسان تشبیه می کرد، بعضی از اجزاء دین را به سر انسان، بعضی را به چشم انسان و بعضی را به دست انسان تشبیه می کرد. ما اگر بتوانیم با یک مکانیزمی جایگاه هر عنصر را در مجموعۀ‌دین شناسایی کنیم به صورت معقول و متوازن وقت خواهیم گذاشت، سرمایه گذاری خواهیم کرد. مثلاً بدانیم موضوع نماز، یا موضوع حجاب یا موضوع روزه اینها از مسائل درجه یک هستند یا درجه دو یا درجه سه. این به ما کمک می کند برای چه بخش‌هایی از دین بیشتر وقت بگذاریم. بیشتر فکر کنیم، بیشتر به دنبال روش بگردیم. موضوع نماز در مجموع در قرآن حدود هزار بار مطرح شده، ما نداریم موضوعی را در اسلام چه در آیات قرآن یا در احادیث انقدر تکرار شده باشد. نود و چند بار کلمۀ صلوه و مشتقاتش و نهصدو چند بار کلمات مرتبط با نماز، مثل عبادت سجده، قنوت، رکوع، قبله، غسل، تیمم، مسجد و پیامبر عزیز اسلام فرمود وقتی من به پیامبری رسیدم اولین واجبی که از آسمان برای امّت من فرود آمد موضوع نماز بود. موضوعات دیگری مثل روزه یا خمس یا زکات در مدینه آمده بعد از 13 سال یا موضوع حجاب، حج، جهاد اینها شاید بعد از بیست سال بعد آمده باشد، اما نماز از روز اول بوده است.

پس موضوعی را که ما می‌خواهیم راجع به آن گفتگو بکنیم یک موضوعی است مثل اکسیژن در رگ های دین، در قرآن کریم هم مسئله نماز کنار توحید،‌ نبوت و معاد آمده است. ما اصطلاحاً نماز را جزء فروع دین حساب می کنیم اما بر اساس فرهنگ قرآن نماز در کنار ایمان به خدا، ایمان به کتاب های آسمانی،‌ ایمان به قیامت،‌ ایمان به پیامبران آمده، یک مسئله بسیار مهمی است. تفسیراتی که پیامبران اسلام در بارۀ دین بکار برده،‌ نماز سر دین است، نماز ستون دین است،‌ نماز پرچم دین است، نماز کلید بهشت است. قرآن کریم فلسفۀ خلقت جن و انس را عبادت می‌داند که یکی از مصادیق بلند عبادت، نماز است. در سورۀ زاریات آیۀ 56 می خوانیم وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ، نیافریدم جن و انس را مگر برای عبادت .

یا در سورۀ مبارکۀ نحل آیۀ 36 می خوانیم که فسلفۀ بعثت همۀ انبیاء‌ دعوت به عبادت بوده ، وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولاً ، ما برای هر جمعیتی فرستاده ای را اعزام کردیم با این دو ماموریت، أَنِ اعْبُدُواْ اللّهَ وَاجْتَنِبُواْ الطَّاغُوتَ که مردم را به پرستش خدا دعوت کنیم و از طاغوت اجتناب بورزیم.

پس معلوم می شود جایگاه نماز در دین یک جایگاه درجه یک و مسئلۀ استراتژیک است.

ریشۀ عبادت چیست؟ اولین ریشۀ عبادت احساس فقر و وابستگی به پروردگار است. انسان که قوی‌ترین و با استعدادترین موجود این عالم است به مبدأ عالم و به پروردگار عالم محتاج است ،‌نیازمند است و دین راهی را پیش پای او گذاشته که نیاز خودش را با کسی که او را دوست دارد و بر او منت نمی گذارد و توانایی رفع نیاز را دارد در میان بگذارد . 2 بار در سورۀ مبارکه بقرین این آیه آمده استعينوا بالصبر على الصلاةای انسان‌ها در بحران ها و گرفتاری ها کمک بگیرید از صبر و نماز، و این است ریشه عبادت.

ریشۀ دیگر عبادت تعظیم به خدا است ما به صورت فطری وقتی عظمت و زیبایی را می‌بینیم تعظیم می کنیم،‌ تقدیس می کنیم، بزرگ می شماریم،‌ امام رضا علیه السلام فرمود: نماز یعنی تکبیر، یعنی تعظیم ، یعنی خدا بزرگ است،‌ بزرگ تر از آنچه که وصف شود. ما وقتی بنای بزرگی را یا سیارۀ‌بزرگی را یا دستگاه بزرگی را می‌بینیم مبهوت می‌شویم، لب به ستایش باز می‌کنیم. عبادت ریشۀ دومش تعظیم به پروردگار است یعنی اینکه ما در برابر پروردگار کوچک هستیم.

ریشۀ سوم عبادت شکرگذاری دربرابر نعمت‌های خدا است،‌ ما که نبودیم خداوند از روی مهرش ما را آفرید و بی شمار نعمت در اختیار ما قرار داد. در قرآن می‌خوانیم که هر آنچه در آسمان ها و هرآنچه در زمین است برای تو آفریدم ای انسان. ما به شکرانۀ این همه نعمت که نمی‌توانیم بشماریم. خود قرآن می‌فرماید و وَ اِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللهِ لاتَحْصُوها. اگر بخواهید بشمارید هدایای خدا را نمی‌توانید. این عبادت یک نوع سپاسگذاری در برابر خدای مهربانی است که از روی مهرش این همه امکانات در اختیار ما قرار داده است.

آیات سوم و چهارم سورۀ قریش فلسفۀ عبادت را سپاسگذاری از خدا می‌داند. فَلْيَعْبُدُواْ رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ باید مسلمان ها عبادت کنند. صاحب این خانه را الَّذِي أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ همان خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد وَ آمَنَهُم مِّنْ خَوْفِ و در ترس و پریشانی امنیت را آورد.

علامۀ‌طباطبایی می فرماید آهنگ آیۀ 21 از سورۀ بقره هم همین شعار است که نماز تشکر از خدا است. در سورۀ مبارکه بقره می خوانیم یا أیها الناس، خطاب به مسلمان نیست، خطاب به الذین آمنوها نیست، خطاب به همۀ مردمان است. يا ايّها النّاس اعبدو ربّكم عبادت کنید پروردگارتان را ،‌چرا؟ می فرماید: الّذي خلقكم چون شما را آفریده ، یه کسی یک گل دست شما می دهد لبخند می زنید ،‌ یک انگشتر کتابی، سکۀ طلایی به شما می دهد عکس العمل نشان می‌دهید آن خدای هستی بخشی که شما را و پدر و مادر شما را آفرید نمی خواهید در برابرش هیچ احساسی داشته باشید. اعبدو ربّكم عبادت کنید پروردگارتان را ، چرا؟ الّذي خلقكم چون شما را آفریده، پدر و مادرتان را آفریده. آن خدایی که از آسمان ها برای شما باران می فرستد، به وسیلۀ‌باران گیاهان را می‌رویاند،‌ رزق برای شما می‌فرستد،‌ به تلافی مهر خدا با سپاسگویی خودتان عکس‌العمل نشان دهید. این هم یکی از ریشه های عبادت است.

ریشۀ دیگر عبادت به طور فطری انسان ها نیاز به مونس دارند. نیاز دارند راز دلشان را با کسی در میان بگذارند. خیلی وقت‌ها خصوصی ترین افراد را هم شایسته نمی‌دانند. حتی مادرش را، برادرش را، دوستش را، میگه نه شاید من و مسخره کنند . یک رازی در دلم هست، می خواهم با کسی که آغاز من را می داند، پایان من را می داند، توانایی‌ها، آسیب ها، گرفتاری های مرا می شناسد با او در میان بگذارم. او مرا آرام کند یکی از ریشه های عبادت رازگویی با پروردگار است.

پس نماز در دین اسلام یک موضوع فوق العاده مهم است. پیامبر عزیز اسلام، ‌اسلام را با نماز آغاز کرد. روز دوشنبه صبح بود که در غار حراء پنج آیۀ اوّل سورۀ علق را دریافت کرد. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

از کوه سرازیر شد در دامنۀ‌ کوه جبرئیل مجدداً نازل شد و همان روز اول دستور وضو گرفتن و نماز خواندن را آورد. این جایگاه نماز است و تا روز آخر، آخرین ساعات و دقایق عمر پیامبر، امیرالمؤمنین فرمود پیغمبر که جان می داد سرش بر سینۀ من بود و دلواپس نماز مسلمانان بود و این جمله را فرمود و از دنیا رفت. والله لا تنال شفاعتي من استخف بالصلوه به خدا قسم شفاعت من به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی رسد.

پس در این درس ما دربارۀ جایگاه و اهمیت نماز در جغرافیای دین صحبت کرده ایم تا خودمان هم نیرو بگیریم با اعتقاد بیشتر نسبت به این موضوع ، موضوع را پی بگیریم.